



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث حدیث شریف

دستور چهاردهم

به کوشش

مهدی مهریزی علی صدرایی خویی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: دفتر چهاردهم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی. - قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴.

۴۸۴ ص.

ISBN : 964 - 483 - 110 - 8

۳۰۰۰۰ ریال

چاپ اول: ۱۳۸۴.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. احادیث شیعه - مجموعه ها. ۲. حدیث - علم الرجال. الف. صدراپی خویی، علی، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده همکار.

ب. عنوان.

۲۹۷/۲۶۸

م ۹/م ۹/۱۲۱ BP

میراث حدیث شیعہ / ۱۴

به کوشش، مهدی مهریزی و علی صدرايي خويی

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث
امور اجرایی: مهدی سلیمانی آشتیانی
ویراستار: قاسم شیرجعفری
صفحه آرای: سید علی موسوی کیا
ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث
چاپ: اول، ۱۳۸۴ ش
چاپخانه: دارالحدیث
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان



قم، خیابان معلم، نبش کوچه ی ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان ارم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۱۶۵۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

شابک: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۰-۶

ISBN : 964 - 493 - 110 - 6

مجمع الأحادیث

آیه الله سید محمد حجت کوهمری (۱۳۷۲ق)

معرفی: حمید احمدی جلفایی

در لابه لای هزاران اثر خطی و ارزشمند از علمای بنام شیعه، دیدگان محقق به جلال نوشته‌ای از یک مرجع جلیل القدر و عظیم المرتبه منور می‌گردد که در همان نگاه نخست بسی متعجب می‌گردد از این که چرا باقیه صالحه‌ای از شخصیتی همچون ایشان تا به حال احیا نشده و میهمان بوستان کتاب محققان و طلاب و علما نگشته است!

مؤلفی که با مطالعه رتبه و مقام علمی و معنوی‌اش، دل هر جویای حقیقتی و اندیشه هر طالب دانشی شیفته کوتاه‌ترین جملات و کمترین دست خطش می‌گردد و حاضر است در ازای تحصیلش مبلغ هنگفتی بپردازد!

اما رتبه و اعتباری که عوام و خواص در دانش و معنویت برای این مرجع عظیم القدر و این علامه بزرگوار قائل اند موجب می‌گردد که برخی از محققان و مدققان به همین گفته‌های اجمالی اکتفا نکنند و میزان نقص و کمال این اثر را از نزدیک خوب بررسی نمایند.

این بود که حقیر به پیشنهاد یکی از برادران محقق و نیک‌اندیشم در گروه «میراث حدیث شیعه» جناب آقای «علی صدرایی خویی» بر آن شدم تا مهم‌ترین اثر آن فقیه فرزانه یعنی موسوعه حدیثی مجمع الأحادیث را در این مقاله معرفی نمایم.

۱. مؤلف

علامه جلیل القدر آیه الله سید محمد حسینی تبریزی معروف به حجت کوهکمری فرزند عالم کامل سید علی نقی کوهکمری، دفتر عمرش در مورّخه ۲۹ شعبان سال ۱۳۱۰، در قریه «کوهکمر» واقع در شمال شهرستان تبریز (منطقه ارسباران)^۱ در کانون خانواده‌ای سرشار از دانش و معنویت گشوده شد.

پدرش سید علی بن سید علی نقی کوهکمری از علما و مراجع بزرگ عصر خود به شمار می‌رفت که شهره علمی و معنوی اش آوازه خاص و عام بود و پیکر مبارکش در صحن بارگاه عظیم حضرت معصومه علیها السلام در قم به خاک سپرده شد. بنا به گفته خود مرحوم حجت قسمت عمده تحصیلات فقهی اش در محضر پدر بزرگوارش بود.

نسب مرحوم حجت با توجه به شجره نامه‌ای که خود نگاشته و هم اکنون در میان نوشته‌های خطی اش موجود است با ۳۱ واسطه به امام سجّاد علیه السلام می‌رسد.^۲

وی در تبریز مقدمات را به همراه برخی از علوم جدید مثل ریاضیات، فیزیک و شیمی (به طور مختصر و در حد آشنایی)، طب قدیم و طب جدید و... آموخت، و همچنین دروس سطح را عمدتاً نزد والد جلیش در حالی که خودش هم دروس پایین تر را تدریس می نمود به اتمام رساند.

صاحب کتاب آثار الحجة که یکی از تلامذه ایشان است به نقل از وی چنین می نویسد:

همه شرح کبیر موسوم به ریاض سید علی را در نزد پدر خود در تبریز خواندم و جلدین

۱. اغلب اهالی این روستا از سادات حسینی هستند و نیشان به سید تاج الدین حسن مدفون در همان قریه می‌رسد.
 ۲. در این شجره نامه که هم اکنون در کتابخانه آن مرحوم موجود است چنین آمده: «السید محمد بن السید علی بن السید علی نقی بن السید محمد بن حسن بن حیدر بن شمس الدین بن امین بن نور الدین بن شمس الدین بن اسماعیل بن محمد بن علی بن عباس بن فخر الدین بن هاشم بن حسن بن علی بن فخر الدین بن شرف الدین بن شمس الدین بن محمد المصري الملقب بالمحاري بن شجاع الدین بن محمود بن سلیمان بن عقیل بن أحمد بن حسن بن علی بن حسین بن حسن الأنطس بن علی بن الإمام علی السجّاد علیه السلام».

شرح لمعه را با مطالعه تنها، یعنی بدون این که نزد استاد خواننده باشم، دو دوره در تبریز درس گفتم....^۱

در سال ۱۳۳۰ ق پس از اتمام سطوح به نجف اشرف مشرف گردید و در جوار مولای خود از محضر بزرگان علم و دانش در فقه و اصول و رجال و سایر علوم حدیث و همچنین در تکمیل علوم ریاضی و هیئت و اسطرلاب و معقول، با نهایت کوشش و همت استفاده نمود و پس از نوزده سال ممارست به درجه اجتهاد نایل گشت و از اجلای عصر خود اجازاتی در اجتهاد و نقل روایت دریافت نمود.

وی در دوره اقامت خود در شهر نجف، علاوه بر تحصیل، در برخی از رشته‌ها تدریس هم می نمود. برخی از درس های ایشان که ازدحام و کثرت شاگردانش زبانزد بود، در مسجد شیخ انصاری و مقبره میرزا محمد حسن شیرازی برگزار می شد.

در سال ۱۳۴۹ ق به شهر مقدس قم مراجعت فرمود و باقی عمر شریفش را در جوار ملکوتی بانوی کرامت به سر برد. پس از ورود به قم مورد تکریم خاص علما و مراجع وقت از جمله مرحوم آیت الله شیخ عبد الکریم حائری مؤسس و زعیم حوزه و مرجع بزرگ شیعه قرار گرفت و به عنوان مشاور وی در اداره امور دینی و مدارس حوزوی جای گرفت، به گونه ای که مرحوم حائری منصب خود در امامت جماعت صحن مطهر را به او سپرد و پس از مرگ هم وی را به همراه دو تن دیگر وصی خویش مقرر نمود.

آیه الله حجت مدتی به تدریس دروس فقه و اصول در حد سطح مشغول بود ولی طولی نکشید که درس خارج ایشان در قم در ردیف مهمترین دروس خارج فقه و اصول قرار گرفت، و بدین ترتیب غالب مشاهیر پس از خود را در دامان علمش پروراند.

ایشان در مقام مرجعیت در زمان خود پس از مرحوم بروجردی از بیشترین مقلدان و محبان برخوردار بود، و در فضایی چون زهد، ساده زیستی، عنوان گریزی

و افتادگی، فهم بلند، عزم جزم، همت والا، تقوا، ورع، تهذیب نفس و عبادت بسیار و ارادت به اهل بیت طهارت، خصوصاً به جدّش امام حسین علیه السلام زبانزد خاص و عام بود.

استاد علامه محمد علی مدرّس در کتاب ریحانة الأدب در توصیف ایشان می‌گوید: سید محمد، سید سند، حبر معتمد، مولانا الأجل... از میزین طراز اوّل علمای عصر حاضر... حاوی فروع و اصول، جامع معقول و منقول، فقیه کامل، عالم عامل، عابد زاهد، محدّث ثقه و رجالی، دارای کمالات فسانیه، و حائز مقامات معنویه...^۱

و مرحوم شهید مطهری در کتاب گفتارهای معنوی از ایشان به عنوان «یک اسوه عزم راسخ و همت بلند» نام می‌برد و قضیه‌ای را هم از ایشان نقل می‌کند.^۲ عمر رضا کحّال در کتاب معجم المؤلفین در توصیف ایشان می‌گوید: «فقیه، اصولی، مجتهد، محدّث».^۳

و دکتر شیخ محمد هادی امینی در معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف می‌نویسد: ...من كبار الفقهاء والعلماء، وأعلام الفقه والأصول، ومراجع التقليد والفتيا والزعماء الدینیّة، كان مثلاً للورع والتقوى والزهد والتواضع والخضوع، ومتبحراً في الحديث ورجال و الفقه والأصول و المعقول و المنقول...^۴

و عالمان، شاعران و شخصیت‌های بزرگی در وصف و رثای این خورشید حقیقت زبان به شعر گشوده‌اند، که در کتاب آثار العجّة به تفصیل ذکر شده است. ایشان در راه تبلیغ احکام دین، بخصوص در آن دوران خاص که اوج مبارزات رژیم پهلوی با مقدّسات دینی بود، زحمات فراوانی کشید و در مبارزه با «کشف حجاب» تلاش‌های زیادی نمود.^۵

علاوه بر آثار علمی‌اش که خواهیم آورد، آثار اجتماعی زیادی هم از ایشان به

۱. ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. گفتارهای معنوی، ص ۲۵۵.

۳. معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۷۷.

۴. معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف، ص ۳۷۱.

۵. در این مورد رجوع کنید به: نهضت دو مائه روحانیت، ص ۶۶؛ و یکصد سال مبارزه روحانیت مرفقی، ج ۳، ص ۶۲.

یادگار مانده که از مهمترین آنها می‌توان به مدرسه و کتاب‌خانه و مسجد حجتیه در قم اشاره نمود.

آیه الله حجت در جمع آوری نسخه‌های خطی معتبر از علمای متأخر، همت زیادی به خرج داد و نتیجه این همت را می‌توان در فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مدرسه وی و همچنین کتاب‌خانه خصوصی‌اش مشاهده نمود.^۱

سر انجام روح بلند آن فرزانه، در سن ۶۲ سالگی هنگام اذان ظهر روز دوشنبه مطابق با سوم جمادی الاولی ۱۳۷۲ ق به ملکوت اعلا پیوست و پیکر نورانی‌اش پس از اقامه نماز توسط آیت الله بروجردی در کنار مسجد خودش - مسجد مدرسه حجتیه - به خاک سپرده شد.

اساتید

اساتید و مشایخ اجتهاد و روایت آیه الله حجت عبارت‌اند از:

۱. شیخ فتح الله اصفهانی معروف به شیخ الشریعه؛ استادش در فقه و اصول که بیشترین استفاده را از ایشان و مرحوم نایینی نموده است و از وی اجازه فتوا و اجتهاد هم دارد.
۲. سید ابو الحسن اصفهانی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.
۳. سید محمد باقر بیرجندی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.
۴. شیخ عبد الکرم حائری یزدی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.
۵. سید ابو تراب خوانساری؛ استادش در فقه و اصول و علوم حدیث و رجال؛ و دارای اجازه نقل روایت از او.
۶. شیخ اسد الله زنجانی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.
۷. سید حسن صدر کاظمی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.
۸. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروة الوثقی)؛ استادش در فقه و اصول.
۹. شیخ ضیاء الدین عراقی؛ استادش در فقه و اصول؛ و در سال ۱۳۳۳ اجازه اجتهاد

۱. رجوع کنید به: فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه حجت کوهکمری، سید جعفر حسینی اشکوری؛ و فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مدرسه حجتیه، رضا استادی.

از وی دریافت نموده است. و همچنین دروس ایشان را تحت عنوان حاشیه الکفایه فی موضوع علم الأصول تقریر نموده است.

۱۰. میرزا محمد عسکری طهرانی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.

۱۱. سید محمد فیروز آبادی؛ استادش در فقه و اصول.

۱۲. شیخ علی قوچانی؛ استادش در فقه و اصول.

۱۳. سید علی بن سید علی نقی کوهکمری؛ والدگرمی و استادش در فقه و اصول، که از او اجازه نقل روایت نیز دارد و از دروس ایشان رساله‌ای در بحث صلاة را تقریر کرده است.

۱۴. علامه میرزا حیدر قلی سردار کابلی؛ استادش در ریاضی و هیئت؛ که دو کتاب سی فصل در اسطرلاب اثر نصیر الدین طوسی و شرح تذکره در هیئت نیشابوری را در محضر ایشان خوانده است.

۱۵. شیخ علی کاشف الغطاء؛ دارای اجازه نقل روایت از او.

۱۶. شیخ احمد کاشف الغطاء؛ دارای اجازه نقل روایت از او.

۱۷. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء؛ دارای اجازه نقل روایت از او.

۱۸. مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی؛ که مرحوم حجت از درس او تقریراتی دارد.

۱۹. شیخ علی گنابادی؛ استادش در فقه و اصول که مرحوم حجت از او تقریراتی به نام «موضع علم الأصول والوضع وما یتعلق به» دارد.

۲۰. شیخ عبد الله مامقانی؛ دارای اجازه نقل روایت از او.

۲۱. میرزا محمد حسین نایینی؛ در فقه و اصول و از او اجازه فتوا و اجتهاد و تقریراتی تحت عنوان «أقل وأکثر» دارد.

شاگردان

و اما تعداد شاگردانی که از محضر این عالم جلیل المرتبه کسب فیض نموده‌اند بیش از آن است که بتوان همه آنها در این مختصر نام برد، در کتاب آثار العجّة ۱۳۶ تن از تلامذ ایشان ذکر گردید، و ما در این جا تعدادی از مشاهیر شاگردان ایشان را یاد

می‌کنیم:

۱. آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، که از ایشان در ۲۴ ذیقعدة ۱۳۵۱ اجازه حدیثی دریافت نموده است؛
۲. سید عبد الحجه بلاغی نائینی، که از ایشان اجازه حدیثی دریافت کرده است؛
۳. حاج شیخ یحیی فاضل همدانی، که جلد دوم تقریرات درس کتاب بیع ایشان از اوست؛
۴. شیخ ابو طالب تجلیل تبریزی، که جلد اول تقریرات فوق الذکر هم از ایشان است، و علاوه بر آن تقریراتی از بحث صلاة و همچنین مباحث اصولی ایشان دارد؛
۵. آیت الله حاج سید محمد محقق داماد؛
۶. آیه الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، که تقریرات دروس استاد را مفصلاً نگاشته‌اند؛
۷. مرحوم استاد علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان)؛
۸. آیه الله حاج شیخ ابو القاسم دانش آشتیانی؛
۹. آیت الله حاج سید ابو الحسن مولانا، که تقریراتی از درس خارج فقه ایشان تحت عنوان النجم الزاهر في صلاة المسافرين دارد؛
۱۰. آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی، که خود می‌فرماید: استخوان بندی فقهی خود را نزد آیت الله بروجرودی و آیت الله حجّت ساخته‌ام؛^۱
۱۱. آیت الله حاج شیخ علی غروی علیاری؛^۲
۱۲. حاج شیخ محمد رازی، که کتاب مشهور آثار العجّة را درباره ایشان نوشته است؛
۱۳. حاج سید یونس اردبیلی؛
۱۴. شیخ مهدی حائری؛
۱۵. حاج سید مهدی انگجی تبریزی؛

۱. رجوع کنید به: مقالات و گفتارها، نوشته مسجد انگجی تبریزی، ص ۷۵.

۲. رجوع کنید به مصدر سابق.

۱۶. حاج سید مرتضی ابروانی؛
۱۷. حاج شیخ مرتضی حائری؛
۱۸. سید محسن حجت (فرزندش)؛
۱۹. شیخ محسن مشکینی؛
۲۰. میرزا محمد علی طباطبایی؛
۲۱. حاج شیخ قربانعلی اعتمادی تبریزی؛
۲۲. میرزا محمد بنابی؛
۲۳. حاج سید صادق لواسانی؛
۲۴. سید حسین بدلا؛
۲۵. شیخ اسد الله کاشانی؛
۲۶. شیخ محمد عرفانی بیهودی.

تألیفات

آیه الله حجت آثار علمی متعددی داشتند که اغلب به صورت ناتمام مانده‌اند. علاوه بر آن عوامل زیر نیز موجب گردیده تألیفات وی ناشناخته بماند:

حجم نوشته‌های ایشان، که غالب آنها - بجز یکی دو اثر - بسیار کوتاه هستند، به گونه‌ای که ده‌ها رساله مختلف در یک مجموعه جمع شده‌اند.

اختلاط و همنام بودن برخی از نوشته‌های مستقل ایشان با کتابت‌ها و تقریراتی که آن مرحوم از اساتیدش نوشته و یا برعکس شاگردانش بر دروس ایشان نوشته‌اند.

پراکندگی رساله‌های مختلف وی در میان آثارش که همگی مربوط به مجموعه حدیثی وی بوده و غالباً بسیار ناقص‌اند و از صفحات خالی فراوان برخوردارند.

خط ناخوانای او که گویا ناشی از تندنویسی بوده و به نظر می‌رسد در اغلب نوشته‌ها قصد داشته سر فرصت آنها را بازنگری و پاک‌نویس کند، هر چند در برخی از قسمت‌ها خط مؤلف چنان ناخواناست که بعید است می‌توانست آنها را بخواند.

در این جا آثار باقی مانده از وی، در چند بخش معرفی می‌گردد:

الف. تقریرات شاگردان از دروس ایشان

۱. تقریرات کتاب بیع (ج ۱)، از شیخ ابو طالب تجلیل تبریزی، که به چاپ رسیده است.
۲. تقریرات کتاب بیع (ج ۲) به قلم حاج شیخ یحیی فاضل همدانی، که چاپ شده است.
۳. تقریرات بحث صلاة شیخ ابو طالب تجلیل تبریزی.
۴. تقریراتی از مباحث اصولی، شیخ ابو طالب تجلیل تبریزی.
۵. النجم الزاهر في صلاة المسافر، تقریرات فقه؛ سید ابو الحسن مولانا.

ب. تقریرات آیه الله حجت از دروس اساتیدش

- آیه الله حجت اغلب دروس اساتیدش را تقریر نموده که متأسفانه تعداد قابل توجهی از این تقریرات مشخص نیست که مربوط به درس کدام استاد است. تقریرات نوشته شده توسط ایشان عبارت‌اند از:
۶. رسالة في الماء المستعمل في رفع الحدث الأكبر؛ تقریر از درس آقا ضیا عراقی.
 ۷. رسالة في خيار الغنن؛ تقریر از درس مرحوم نائینی.
 ۸. رسالة في الوقف؛ تقریر از درس آقا ضیا عراقی.
 ۹. رسالة في أصالة البراءة؛ تقریر از درس آقا ضیا عراقی.
 ۱۰. رسالة في اقتضاء الأمر بالشئ للنهي عن ضده؛ تقریر از درس مرحوم کمپانی.
 ۱۱. رسالة في الإجزاء؛ تقریر از درس مرحوم کمپانی.
 ۱۲. رسالة في بيان معنى الموضوع و في الأعراض الستة؛
 ۱۳. رسالة في المبادي اللغوية و الوضع؛
 ۱۴. تعلیقة على الكفاية؛ تقریر از درس آقا ضیا عراقی.
 ۱۵. كتاب الصلاة (از مكان مصلى تا تكبير)؛
 ۱۶. رسالة في الخمس؛
 ۱۷. رسالة في نجاسة عرق الجنب من الحرام؛

۱۸. حواشی بر بیع مکاسب؛ تقریر از درس شیخ محمد حسین کمپانی.

۱۹. رسالة في الوصية؛

۲۰. موضع علم الأصول و الوضع و ما يتعلق به؛ تقریر از درس شیخ علی.

۲۱. رسالة في الحيض به صورت استدلالی؛

۲۲. أقل و أكثر؛ تقریر از درس مرحوم نایینی.

ج. حواشی

۲۳. حواشی بر شرح منظومه مرحوم سبزواری (رسالة أول از مجموعه ۵۱ در کتاب‌خانه‌اش).

۲۴. حاشیه بر کفاية الأصول (رسالة چهارم از مجموعه ۵۱ در کتاب‌خانه‌اش).

۲۵. حاشیه علی الرياض في الوضوء (رسالة أول از مجموعه ۵۲ در کتاب‌خانه‌اش).

۲۶. حاشیه علی الوسائل (رسالة شانزدهم از مجموعه ۵۲ در کتاب‌خانه‌اش).

د. نوشته‌های مستقل

۲۷. احکام لباس مصلی (رسالة ششم از مجموعه ۵۱ در کتاب‌خانه‌اش).

۲۸. رساله در اصول فقه (قطع و اقسام آن و حجّة الظنّ و الشهرة و الإجماع و الخبر

القابل الرجوع إلى خبر الواحد) (رسالة هشتم از همان مجموعه).

۲۹. تقلید (رسالة یازدهم از همان مجموعه).

۳۰. استصحاب، به صورت مفصل (رسالة نهم، سیزدهم و چهاردهم از همان

مجموعه).

۳۱. منجزات المريض (رسالة پانزدهم از همان مجموعه).

۳۲. أخبار البراءة في حديث الرفع و مسائل أبواب جهاد النفس (رسالة شانزدهم از همان

مجموعه).

۳۳. رسالة في الوجوه العقلية علی حجّة الخبر الواحد (رسالة هفتم از مجموعه ۵۲ در

کتاب‌خانه‌اش).

۳۴. رسالة في الأخبار الواردة براءة مالك و ملك، صراط و سراط (رسالة بیست و پنجم از همان مجموعه).

۳۵. تنقیح المطالب المبهمه في عمل الصور المجسمة (در همان مجموعه ۵۲).

۳۶. رسالة في الوضع، که در سال ۱۳۳۴ به پایان رسانده است (در همان مجموعه).

۳۷. رسالة في الصلاة، مفصل و استلالی.

۳۸. لوامع الآثار الغروية في مراسلات الآثار النبوية. که در بیشتر تراجم آمده ولی نسخه‌ای از آن تاکنون شناسایی نشده است.

۳۹. مجمع الأحادیث، که در ذیل مفصلاً معرفی می‌شود.

نامه‌ها، اجازه نامه‌ها، و نوشته‌های مفقود ایشان

۴۰. اجازه اجتهاد از مرحوم آقا ضیاء در حدود سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۳۳ ق (رسالة

پانزدهم از مجموعه ۵۱ در کتاب‌خانه‌اش).

۴۱. حساب و کتاب‌های مدرسه و شهریه طلاب و از این قبیل یادداشت‌ها (نسخه شماره ۴۰ در

کتاب‌خانه‌اش).

۴۲. نامه ایشان به سید عبد العجّت بلاغی در توضیح بحار الآثار مجلسی، که در میراث

حدیث شیعه (دفتر چهارم) در ضمن شرح حال مرحوم مجلسی به همت برادر محقق «صدرایی خویی» چاپ شده است.

۴۳. شجره نامه‌ای که به خط خود نگاشته است.

و...

۲. مجمع الأحادیث

این کتاب که مفصل‌ترین و مهم‌ترین اثر آیه الله حجت است در مصادر با نام‌های مختلف یادشده، در برخی فهرس از این مجموعه به عنوان جامع الأحادیث و الأصول، و در برخی دیگر به نام مجمع الأحادیث و در بعضی به نام مستدرک علی المستدرک یاد شده است، و در برخی از آنها دو عنوان از عناوین مذکور و یا هر سه عنوان، آثاری جداگانه

برای مؤلف شمرده شده‌اند.

ولی نام مشهور آن همان مجمع الاحادیث است همچنان که آیه الله مرعشی در اول نسخه‌های موجود از این کتاب نوشته‌اند که برای نمونه یکی از آنها چنین است:

کتاب مجمع الاحادیث للعلامة المعاصر آية الله السيد محمد بن العلامة السيد علي الحسيني الكوهكمري الشهير بالحجة، من أعلام هذا العصر، وقد أتعب نفسه في هذا الاستدراك للمستدرک، توقّي (ره) قبل أن يتّمّه، وأكثرها بخطّه....

آنچه پس از بررسی اغلب آثار مؤلف از نزدیک، برای ما حتمی شد این که مؤلف در ابتدای چند دفتر از این کتاب، با خطّ خودش تصریح نموده که کتاب حاضر به مجمع الاحادیث نامگذاری شده است که در ادامه مقاله از این نسخه‌ها یاد خواهیم کرد.

شیوه تألیف کتاب

در نسخه‌های موجود از کتاب کاملاً مشخص است که مرحوم حجّت، به قصد جمع آوری مجموعه‌ای عظیم از روایات معتبر در تمامی موضوعات مختلف، اعمّ از فقهی، تاریخی، اخلاقی و...، با شیوه‌ای استدلالی و به همراه حواشی مفید اصولی، رجالی، درایه‌ای و فقه الحدیث و همچنین با مصدربیابی اخبار در متون روایی، ابتدا دفاتر و مجموعه‌هایی را به صورت متفرّق و پراکنده انتخاب نموده و هر کدام از آنها را به تعدادی از عناوین کلی اختصاص داده، و سپس به تدریج در اوقات مناسب ابواب و فصولی را برای این عناوین کلی ترتیب داده و گاه گویا پس از تدریس و یا مطالعاتی، ابوابی دیگر به نظرش رسیده که بدون ملاحظه حجم احتمالی آن باب، در میان ابواب دیگر جای داده، و در این مورد حتّی در برخی از جاها - به خاطر این که این کار به تدریج انجام شده - یک باب سهواً چند بار با تفاوتی اندک در الفاظ، تکرار شده است، و یا در برخی از موارد ابوابی را در کتبی جای داده که تناسب چندانی با آن کتاب ندارند.

به نظر می‌رسد مصنف در مدت زمانی که مشغول تبویب و فصل‌بندی کتاب‌های نامگذاری شده بوده به تدریج در ضمن مطالعات و یا تدریس‌های خود، احادیثی را

در ذیل برخی ابواب، وارد می ساخته است.

در برخی از فصول و یا کتب، اصلاً باب بندی صورت نگرفته و حتی عنوان برخی از کتب، گویا هنوز مشخص نشده بودند، و در واقع این نوشته ها برای مؤلف در حکم مسوده بوده که می بایست طبق اصولی خاص مرتب و پاک نویس گردد. در انتقال احادیث، مؤلف گویا از یکی از شاگردان و یا اطرافیان هم کمک می گرفته که خطش از خط مؤلف خواناتر است، و این خط عیناً در مجموعه های مختلف دیده می شود، با این تفاوت که در دست خط مؤلف پس از اغلب روایات، مصادر دیگر همان روایت و یا مشابه آن روایت، با ذکر شماره صفحه و همچنین اختلافات موجود بین مصادر، در متن و حواشی ذکر شده است.

و در برخی موارد، در حاشیه کتاب، توضیحاتی کوتاه در مورد برخی از اسناد و لغات متن، و یا استفاده هایی از این قبیل دیده می شود که بسیار قابل توجه هستند. در برخی از موارد نیز مؤلف، پس از ثبت خبر، با رموزی خاص، به احوال کلی اسناد، چون: ضعف، حسن، وثوق، و غیره اشاره می نماید. ولی در مواردی که خودش اخبار را ثبت ننموده، از حاشیه و مصادر و غیره اثری دیده نمی شود.

اهمیت مجمع الأحادیث

از این موسوعه حدیثی تنها برخی کتاب ها همچون: مکارم الأخلاق، صلاة، کفر و ایمان و نکاح تا حدودی به پایان رسیده که قابل انتشارند، ولی در سایر کتاب ها، روایات درج شده بسیار اندک اند و یا اصلاً چیزی نوشته نشده است. به عنوان مثال در «کتاب الکفر والإیمان»، که نسخه آن حدود ۳۰۰ صفحه (۲۲×۳۵) دارد و به شماره ۵۰۶۵ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود، بیش از ۱۰۰ باب دیده می شود، ولی بیش از نیمی از آنها هیچ مطلبی ندارند.

و در «کتاب مکارم الأخلاق و مساویها» که با ۲۷۸ برگ در مجموعه شماره ۲۹۴۳ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است، تقریباً یکصد و اندی باب گنجانده شده که در

حدود نیمی از آنها تکمیل شده است. در این دفتر دویست و اندی روایت تحریر شده که حدود نیمی از آنها به خط خود مؤلف و بقیه به قلم غیر اوست. به نظر ما می توان پس از مطالعه دقیق نوشته های متفرق ایشان در مجموعه ها و رساله های مجمع الأحادیث همه نکات رجالی و حدیثی ایشان را در رساله ای جمع نمود.

مجلدات تألیف شده و موجود از مجمع الأحادیث

بخش های ذیل از کتاب ارزشمند مجمع الأحادیث تألیف شده و نسخه های آن موجود است که عبارت اند از:

۱. کتاب مکارم الاخلاق و مساویها.

تعداد تقریبی ابواب و فصول این کتاب ۱۲۰ باب است.

این کتاب به طور کلی در دو مقصد و هر کدام در چند مقام طبقه بندی شده که هر کدام از آنها به ابواب زیادی تقسیم شده اند. مقصد اول در اخلاق حسنه و مقصد ثانی در اخلاق سیئه است.

اغلب زیر شاخه های مقاصد و مقامات مذکور با عنوان «باب» ذکر شده اند، ولی گاه در لابه لای مطالب، برخی از موضوعات نسبتاً کلی با عنوان «فصل» آمده که به چندین باب تقسیم شده اند. عنوان باب ها و تعداد احادیث موجود در هر باب عبارت اند از:

باب جوامع الصفات المسیئة (تقریباً شامل ۱۰ خبر)؛ باب جملة من وصایا الأنبياء (۸ خبر)؛ باب جملة من الصفات التي یدخل صاحبها الجنة (۱ خبر)؛ باب الخصال التي من كان فيه زوجة الله من الحور العين (۱ خبر)؛ باب جملة من الصفات التي یوجب دخول صاحبها الجنة (۴ خبر)؛ باب جملة من الصفات التي توجب الأمن يوم القيامة (۱ خبر)؛ باب جملة من صفات الأنبياء (۲ خبر)؛ باب جملة من صفات التي توجب دخول الجنة (۲ خبر)؛ باب جملة ممن ینظر الله إلیهم (۱ خبر)؛ باب جمع ممن ضمن له النبی (۴ خبر)؛ باب الخصال التي من كن فيه واحدة كان في ظل العرش (۴ خبر)؛ باب صفات خيار الناس (۳ خبر)؛ باب جملة من وصایا الأئمة (۴ خبر)؛ باب

جملة ممّن تحرّم عليهم النار (۱ خبر)؛ باب أقرب الخلق إلى الله (۳ خبر)؛ باب المنجيات والمهلكات (۵ خبر)؛ باب الخصال التي يحبّ الله (۵ خبر)؛ باب أفضل الخصال و (۱۱ خبر)؛ باب خصال المروة (۱۰ خبر)؛ فصل في الاعتصام بالله (۵ باب و ۱۰ خبر)؛ فصل في التفكّر (۷ باب و ۱۰ خبر)؛ فصل في جهاد النفس (۴ باب)؛ فصل في حفظ اللسان (۴ باب)؛ فصل في الحياء (۴ باب)؛ فصل في الخوف و الرجاء (۷ باب)؛ فصل في حسن الظنّ (۵ باب)؛ فصل في الزهد (۸ باب)؛ فصل في الشكر و الكفر (۱۶ باب)؛ فصل في الصبر و الرضا (۵ باب)؛ المقام الثاني في فضل الصبر و الصابرين (۵ باب)؛ المقام الثالث في أقسام الصبر (۸ باب)؛ المقام الرابع في الرضا بالقضاء (۷ باب)؛ باب وجوب أداء الفرائض (۴ خبر)؛ فصل في النفقة (۱۰ باب)؛ باب حسن العاقبة (۳ خبر)؛ فصل في الورع (۹ باب)؛ باب علائم اليقين (۳ خبر)؛ المبحث الثاني (۳۰ تا ۴۰ باب)؛ فصل في الرفق (۷ باب)؛ باب الاهتمام بأمور المسلمين.

نسخه این کتاب به شماره ۲۹۴۳ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. این نسخه به قلم مؤلف و یکی از شاگردانش و به خط نستعلیق تحریر شده و ۲۷۸ برگ دارد که حدود ۲۰۰ برگ از آنها سفید مانده است.^۱

۲. کتاب الصلاة.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۱۷۰ باب و فصل است.

اولین باب آن «باب عدم جواز الصلاة في الطين» و آخرین باب آن «باب استحباب رفع الصوت في الأذان» است. عنوان عمده کتاب عبارت‌اند از:

۱. ابواب الصلاة و الواجبات منها و... (که ۷۶ باب اول آن کاملاً خالی از مطلب است).

۲. فصل في محاذاة الرجل و المرأة في الصلاة.

۳. فصل في آداب المساجد و دخولها.

۴. أبواب الأذان و الإقامة.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۸، ص ۱۳۹.

نسخه این بخش نیز به خط مؤلف و در ۱۸۴ برگ واقع شده که حدود ۱۱۰ صفحه آن خالی است و به ش ۲۹۴۴ در کتابخانه آیه الله مرعشی نگهداری می شود.^۱ قطعه دیگری از کتاب صلاة دارای ۳۰۰ باب به ش ۵۰۶۷ در همان کتابخانه نگهداری می شود.^۲

۳. کتاب الصوم.

تعداد تقریبی ابواب و فصول این کتاب ۲۵۰ باب و فصل است و فصول کلی این مجموعه، در ابتدای آن توسط خود مؤلف چنین آمده است:

کتاب الصوم، و فيه مقصدان: الأول في حقيقة من يصح له الصوم، والثاني في أقسامه. وفي المقصد الأول أركان أربعة: الأول: في وجوب الصوم و نيته. الثاني: فيما يمسك عنه الصائم و آداب الصوم. الثالث: في الزمان الذي يصح منه الصوم. الرابع: فيمن يمت (?) عنه الصوم و يصح عنه.

نسخه اصل این بخش در ۲۳۸ برگ (۷۰ برگ آن سفید است) به ش ۲۹۴۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می شود.^۳

۴. کتاب نکاح.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۳۰۰ باب و فصل است.

در آغاز این بخش مؤلف چنین نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و الصلاة على محمد و آله الطاهرين، كتاب النكاح من مجمع الأحاديث لمؤلفه الراجي غفر ربه الغني، محمد بن علي الحسيني الكوهكمرى، و فيه أركان: الركن الأول في المقدمات، و فيه فصول: فصل في النكاح و استحبابه....

این مجموعه، غالباً با خط خود مؤلف است و مؤلف حواشی زیادی بر آن نوشته است.

۱. همان، ج ۸، ص ۱۳۹.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۸، ص ۱۳۹.

اولین باب دفتر «باب بدو النکاح» و آخرین باب آن «باب من اشتری أمة فأعتقها و تزوجها استحَبَّ علیه أن یستبرئها و لیس بواجب» است.
 نسخه اصل این بخش به ش ۲۹۴۶ در کتاب خانه آیه الله مرعشی نکهرداری می شود و شامل ۲۹۸ برگ (۵۰ صفحه سفید) است.^۱

۵. کتاب الإیمان و الکفر و العقل و الجهل.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۱۰۰ باب و فصل است.
 این مجموعه نیز غالباً با خط مؤلف است و مؤلف حواشی زیادی بر آن نوشته است. نسخه اصل آن به ش ۵۰۶۵ در کتاب خانه آیه الله مرعشی نکهرداری می شود و شامل ۱۵۱ برگ است.^۲

۶. أبواب مقدّمة العبادات.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۱۵۰ باب و فصل است. این بخش نیز غالباً به خط مؤلف است و حواشی بسیاری نیز دارد و ابوابی که شامل روایت اند، تا حدودی کامل بوده، از نقصان کمتری برخوردارند.
 و در صفحه اول آن مؤلف با خط خود نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم، أبواب مقدّمات العبادات، و فيها فصول: الفصل الأول

في وجوب الفرائض و... و خیرها و ما يتعلق بذلك...

نسخه اصل این بخش به ش ۵۰۶۶ در کتاب خانه آیه الله مرعشی نکهرداری می شود و دارای ۲۸۷ برگ (۱۷۵ برگ سفید) است.^۳

۷. أبواب زیارات و فضایل و آداب آنها.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۱۰۰ باب و فصل است و نسخه آن به ش ۵۰۶۸

۱. همان، ج ۸، ص ۱۳۹.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۱.

در کتاب خانه آیت الله مرعشی در ۲۸۸ برگ نگهداری می شود که اغلب صفحات آن سفید است.^۱

۸. کتاب التجارة.

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۳۰ باب است و نسخه آن به ش ۸۳۲۲ در کتاب خانه مرعشی واقع شده که دارای ۱۹۷ برگ است و اوراق نصف نسخه سفید است.^۲

۹. أبواب ما يمكن أن يستنبط من الكتاب و السنة من القواعد الكلية و...

تعداد تقریبی ابواب و فصول آن ۳۷ باب و فصل است. در ابتدای آن، مؤلف فهرستی از عناوین ۳۷ باب را ذکر نموده که به مبانی فقهی و اصولی در کتاب و سنت مربوط هستند، ولی جز چند باب از آن، بقیه افزای نشده و یا هیچ روایتی ندارند. باب اول این کتاب که «باب في قاعدة لا ضرر و لا ضرار» نام دارد، کامل است که حدود ۱۳ صفحه را در بر دارد و حواشی زیادی مؤلف بر آن نوشته و خود رساله ای مستقل به شمار می رود. نسخه این بخش به ش ۹۹۹۰ در کتاب خانه آیت الله مرعشی نگهداری می شود که دارای ۷۰ برگ است و حدود ۳۰ برگ از آن تحریر شده است.^۳

۱۰. نسخه شماره ۴۱ کتاب خانه آیت الله حجت.

این نسخه به خط مؤلف و یکی از شاگردان و یا نزدیکان وی به خط نستعلیق تحریر شده و دارای ۲۹۰ برگ به اندازه ۱۷×۲۲ است.^۴ در این نسخه ابوابی از کتابهای مختلف آمده که عنوان آنها چنین است:

۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۱.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۲۵، ص ۲۵۴.

۴. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیت الله حجت، ص ۵۰.

آداب التجارة، كتاب العشرة، كتاب الصدقة، كتاب البيع، كتاب النكاح و أحكام الأولاد، ابوابی مربوط به كتاب صلاة، آداب اللباس و الحمام و المسافرة، أبواب التعقيب و الدعاء، مولد النبي، كتاب الجهاد، كتاب المواقيت، كتاب الزكاة، كتاب الأطعمة و الأشربة، كتاب العلم و الجهل، كتاب الوقوف و الصدقات، كتاب اللعان، كتاب الميراث و الديات .

۳. دو نمونه از كتاب مجمع الأحادیث

در این جا جهت آشنایی محققان با روش و سبک تألیف كتاب، دو نمونه از آن ارائه می شود.

نمونه اول:

از كتاب نكاح است، مؤلف در یکی از باب های آن می نویسد:

باب كراهة ترك التزويج مخافة العيلة

الكافي في عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن أبان بن عثمان، عن حريز، عن وليد بن صبيح، عن أبي عبد الله ع، قال: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء الظن بالله. (در حاشیه: «حسن ق» دارد که گویا رمز «حسن کالموثق» است).

و في (يعني: الكافي) عن العدة، عن البرقي، عن الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن محمد بن يوسف التميمي، عن محمد بن جعفر، عن أبيه، عن آبائه ع، قال: قال رسول الله ص: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنه^۱ بالله عز وجل، إن الله - عز وجل - يقول: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (حاشیه: و رواه في دعائم الإسلام عن النبي مثله). (در حاشیه دیگر: «ض» که اشاره به ضعف سند است).

الفيقه في: بإسناده عن ابن أبي عمير، عن حريز، عن الوليد بن صبيح، قال:

۱. در حاشیه بدون رمز آمده: أساء الظن.

قال أبو عبد الله ع: من ترك التزويج مخافة الفقر فقد أساء الظنَّ بالله عزَّ وجلَّ؛ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾.

(در حاشیه: و... فی مجمع البیان عن ابي عبد الله ع...) - (حاشیه دیگر: ... وروایه ابن ابي عمير، عن حريز، و قد تقدّم في الكافي بواسطة أبان) - (حاشیه دیگر: کذا فيما عندنا من نسخ الفقيه المصححة عن ابن ابي عمير، عن حريز؛ و کذا نقله في الوافي و الوسائل، و لا ينبغي سقط الوساطة بينهما؛ فإنّ رواية ابن ابي عمير عن حريز غير معهودة، و إنّما يروي عنه بواسطة... بواسطة حمّاد بن عيسى أو أبان أو غيرهما، و المظنون أنّ الوساطة هاهنا أبان، و أنّ الرواية ما تقدّم في أوّل الباب عن الكليني عن ابن ابي عمير عن أبان عن حريز، فالرواية موثقة عن المشهور).

في المرسل (حاشیه: الفقيه): قال النبي ص: من سرّه أن يلقى الله - عزَّ وجلَّ - طاهراً مطهراً فليقلعه بزوجة، و من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء الظنَّ بالله.

نمونه دوم:

از کتاب صوم انتخاب شده، مؤلف در باب علت و جوب روزه می نویسد:

باب علّة فرض الصوم

الكافي: عليّ بن محمّد و محمّد بن ابي عبد الله، عن إسحاق بن محمّد، عن حمزة بن محمّد، قال: كتبت إلى ابي محمّد عليه السلام: لم فرض الله الصوم؟ فورد الجواب: مَسَّ الجوع، فيحْتَنُوا على الفقير.

الفقيه: سأل هشام بن الحكم أبا عبد الله عليه السلام عن علّة الصيام، فقال: إنّما فرض الله الصيام ليستوي به الغني و الفقير، و ذلك لأنّ الغني لم يكن ليجد مَسَّ الجوع فيرحم الفقير؛ لأنّ الغني كلّما أراد شيئاً قدر عليه، فإذا أراد الله عزَّ وجلَّ (در حاشیه: تعالی - خد) أن يسوّي بين خلقه و أن يذيق الغني مَسَّ الجوع و الألم ليرقّ على الضعيف و يرحم الجائع.

الفقيه: و كتب أبو الحسن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام إلى محمّد بن سنان فيما كتب

عن (در حاشیه: من - خد) جواب مسائله: علة الصوم (در حاشیه: الصيام - خد) لعرفان من الجوع والعطش؛ ليكون ذليلاً مستكيناً مأجوراً محتسباً صابراً، ويكون ذلك دليلاً له على شدائد الآخرة مع ما فيه من الانكسار له عن الشهوات، واعظاً له في العاجل دليلاً على الآجل؛ ليعلم شدة مبلغ ذلك من أهل الفقر والمسكنة (در حاشیه بدون رمز: و المسألة) في الدنيا والآخرة.

الفتية: و روي عن الحسن بن علي بن أبي طالب ع أنه قال: جاء نفر من اليهود إلى رسول الله ص، فسأله أعلمهم من المسائل، فكان فيما سأله أنه (در حاشیه: عن - خد) قال له: لأي شيء فرض الله - عز وجل - الصوم على أمتك بالنهار ثلاثين يوماً وفرض الله على (در متن با رمز نسخه) الأمم أكثر من ذلك؟ فقال النبي ص: إن آدم لما أكل من الشجرة بقي في بطنه ثلاثين يوماً ففرض الله على ذريته ثلاثين يوماً الجوع والعطش، والذي يأكلونه بالليل تفضل من الله - عز وجل - عليهم، وكذلك كان على آدم ع فرض الله ذلك على أمتي. ثم تلا هذه الآية: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ﴾. قال اليهودي: صدقت يا محمد، فما جزاء من صامها؟ فقال النبي ص: ما من مؤمن يصوم شهر رمضان احتساباً إلا أوجب الله - تبارك وتعالى - له سبع خصال: أولها يذوب الحرام في جسده، والثانية يقرب من رحمة الله عز وجل، والثالثة يكون قد كفر خطيئة آدم (در متن با رمز نسخه) أيه، والرابعة يهون الله عليه سكرات الموت، والخامسة أمان من الجوع والعطش يوم القيامة، والسادسة يعطيه الله براءة من النار، والسادسة يطعمه الله من طيبات الجنة. قال: صدقت يا محمد.

العلل و عيون الأخبار..... بأسانيد الآتية عن الفضل بن شاذان عن، الرضا عليه السلام قال: إنما أمروا بالصوم لكي يعرفوا ألم الجوع والعطش، ويستدلوا على فقر الآخرة، وليكون الصائم خاشعاً ذليلاً مستكيناً مأجوراً محتسباً عارفاً صابراً على ما أصابه من الجوع والعطش فيستوجب الثواب، مع ما فيه من الإمساك عن الشهوات، وليكون ذلك واعظاً لهم في العاجل، وراضياً (در حاشیه: راضاً - خد) لهم على أداء ما كلفهم ودليلاً لهم في الآجل، وليعرفوا شدة مبلغ ذلك على أهل الفقر

والمسكنة في الدنيا، فيؤدّوا إليهم ما افترض الله لهم في أموالهم.

كشف الغمة: عن عبد العزيز الجنازدي، عن رجاله: قال القاضي أبو عبد الله الحسين بن علي بن هارون الضبي إماماً، قال: وجدت في كتاب والدي: حدّثنا جعفر بن محمد بن حمزة العلوي، قال: كتبت إلى أبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي الرضا عليه السلام أسأله: لما فرض الله تعالى الصوم؟ فكتب إلي: فرض الله تعالى الصوم ليجد الفني من الجوع؛ ليحنو على الفقير.

لازم به ذکر است که آن گونه که مؤلف هم در برخی از مواضع کتاب اشاره نموده، ایشان نسخه های خاصی از کتاب من لا يحضره الفقيه و شاید بعضی از کتب دیگر را در اختیار داشته و روایات را از آن نسخه های خاص تحریر نموده اند؛ زیرا روایات نقل شده در نسخه، با مصادر مطبوع در آن زمان اختلاف قابل توجهی دارند.

رَبِّ تَقَبَّلْ مِنِّي الْبَسِيرَ بِالْكَبِيرِ

مصادر و مأخذ به اجمال

۱. آثار الحجة شریف رازی؛
۲. اختران تابناک، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج ۱، ص ۴۷۶؛
۳. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۸۱
۴. الذریعة، علامه آقا بزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۱۶۴؛
۵. رجال آذربایجان، علامه امینی، ص ۱۸۶؛
۶. رجال قم، ص ۱۵۰؛
۷. ریحانة الأدب، شیخ محمد علی مدرّس، ج ۱، ص ۳۱۲؛
۸. ستارگان حرم، گروهی از محققین، ج ۱، ص ۱۸۳؛
۹. علمای معاصرین، شیخ محمد علی خیابانی، ص ۲۱۴؛
۱۰. علم الفقه، الشیخ علی خازم، ص ۲۴؛
۱۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه حجت، سید جعفر حسینی اشکوری؛
۱۲. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مدرسه حجت، رضا استادی؛
۱۳. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه الله مرعشی؛
۱۴. کشف الفهارس، سید محمد باقر حجتی، ص ۳۷؛
۱۵. گفتارهای معنوی، آیه الله شهید مطهری، ص ۲۵۵؛
۱۶. گنجینه دانشمندان، علامه شیخ محمد رازی، ج ۱، ص ۳۵۹؛
۱۷. ماضی النجف و حاضرها، جعفر بن باقر آل محبویه، ج ۳، ص ۲۳۴؛
۱۸. مجله نور علم، ش ۱۰، ص ۸۵

۱۹. معجم رجال الفكر و الأدب في النجف، محمّد هادی امینی، ص ۱۲۱؛
۲۰. معجم المؤلفین، عمر رضا کحّال، ج ۹، ص ۱۷۷؛
۲۱. مقدّمه‌ای بر فقه شیعه، سیّد حسین مدرّسی، ص ۳۷۱؛
۲۲. مشاهیر دانشمندان اسلام، شیخ عبّاس قمی، ج ۴، ص ۱۴۶؛
۲۳. مقالات و گفتارها، مسجد انگجی، ص ۳۹ و ۴۱ و ۷۵ و ۲۳۹؛
۲۴. موسوعة مؤلّفي الإمامية، گروه مجمع الفكر الإسلامي، ج ۲، ص ۵۰۸؛
۲۵. میراث حدیث شیعه، گروهی از محققین دارالحدیث قم، ج ۴، ص ۵۵؛
۲۶. نقباء البشر، علامه آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۱۴۹۴؛
۲۷. نهضت دو ماهه روحانیت، ص ۶۶؛
۲۸. یکصد سال مبارزه روحانیت مرفّعی، ج ۳، ص ۶۲.